



اسدا... توکلی

- ✓ اثر شایسته تقدیر از سیندهمین دوره کتاب سال دانشجویی
- ✓ رتبه دوم از سومین همایش اهل قلم اصفهان
- ✓ رتبه ممتاز از نخستین همایش تقدیر از آثار و پایان نامه های تصریبی

فهرست مطالب

۱۳	اهداء
۱۳	مقدمه
فصل اول: بررسی مصلحت در لغت	
۲۱	بررسی واژه مصلحت از دیدگاه لغوین
۲۴	نقد و بررسی
۲۸	بررسی واژه مصلحت در قرآن و روایات
۳۳	خلاصه و نتیجه گیری
فصل دوم: تبیین واژه‌های همسو با مصلحت	
۳۵	۱. حسن و قبح
۳۶	رابطه حسن و قبح با مصلحت و مفسدہ
۳۶	۲. حکمت
۳۸	۳. علت و سبب
۴۰	تفاوت علت و سبب
۴۲	تفاوت حکمت و علت و مصلحت
۴۵	۴. فلسفه
۴۶	۵. مقصد و غایت
فصل سوم: تبیین واژه‌های فقه و شریعت	
۴۹	فقه
۵۲	شریعت
۵۳	فرق بین دین و شریعت
۵۴	فرق فقه و شریعت
فصل چهارم: مصلحت در عرف متکلمین	
۵۷	مصلحت در عرف متکلمین
۵۷	حسن و قبح ذاتی
۵۸	عدل الهی
۵۹	تعلیل
۶۱	رابطه مصلحت و مفسدہ با حکم شرعی

۶۴.....	نقد و بررسی نظریه اول
۶۶.....	بررسی نظریه دوم
۷۱.....	بررسی نظریه سوم
۷۲.....	تحقيق در مسأله

فصل پنجم: مصلحت در عرف فقهاء

۷۹.....	۱- تعریف مصلحت از دیدگاه فقهای اهل سنت
۷۹.....	الف) تعریف مصلحت به فعل و انجام کاری که منجر به حفظ مقصد شارع شود
۷۹.....	تعریف غزالی و زرکشی و شوکانی
۸۱.....	تعریف طوفی
۸۱.....	ب) تعریف مصلحت به وصف فعل
۸۲.....	ج) تعریف مصلحت به منفعت و لذت
۸۲.....	تعریف بوطی و رازی و ریسونی
۸۳.....	د) تعریف مصلحت به هماهنگی و ملایمت با فطرت
۸۴.....	نقد و بررسی
۸۴.....	نقد و بررسی تعریف طوفی
۸۴.....	نقد و بررسی تعریف غزالی
۸۵.....	نقد و بررسی تعریف ابن عاشور
۸۶.....	نقد و بررسی تعریف مصلحت به منفعت و لذت
۸۹.....	نقد و بررسی تعریف مصلحت، به ملایمت و هماهنگی با فطرت
۹۰.....	۲- تعریف مصلحت از دیدگاه فقهای شیعه
۹۱.....	تحقيق در تعریف مصلحت

فصل ششم: تقسیمات مصلحت

۹۳.....	۱- تقسیم مصلحت به لحاظ دلیل اعتبار
۹۵.....	۲- تقسیم مصلحت به لحاظ اهمیت و قوت ذاتی
۹۶.....	دیدگاه شهید اول
۹۷.....	دیدگاه جوینی
۹۸.....	دیدگاه غزالی
۹۹.....	دیدگاه شاطبی
۱۰۰.....	دیدگاه ابن عاشور و بوطی
۱۰۳.....	نمونههایی از مصالح ضروریه
۱۰۳.....	نمونههایی از مصالح مورد نیاز
۱۰۴.....	نمونههایی از مصالح تحسینی
۱۰۵.....	اقسام تحسینیات

نسبت بین ضروریات و الزام.....	۱۰۶
مصالح مکمل دیگر	۱۰۶
مثالهایی برای مصالح تکمیلی	۱۰۸
۳- تقسیم مصلحت به لحاظ گستره موضوع	۱۰۸
۴- تقسیم مصلحت به لحاظ انتظار تحقق	۱۱۱
۵- تقسیم مصلحت به لحاظ ثبات و تغیر	۱۱۲
نقد حامد حسان.....	۱۱۲
نقد و بررسی	۱۱۵
ادله وجود مصالح متغیر	۱۱۸
الف) دلالت آیات	۱۱۸
ب - دلالت روایات.....	۱۲۱
ج - نیازها و احتیاجات متغیر	۱۲۲
۶- تقسیم مصلحت به لحاظ اصالة و تبعیت	۱۲۳
نقد و بررسی	۱۲۵
۷- تقسیم مصلحت به لحاظ ظرف تحقق	۱۲۷
کلام بوطی	۱۲۸
۸- تقسیم مصلحت بلحاظ تعیین و تخییر و اضطرار	۱۲۹
فصل هفتم: تزاحم مصالح	
الف. تقديم مصلحت اهم بر مهم و تخییر بین دو مصلحت مساوی	۱۳۳
بیان مظفر در تقديم محتمل الاهمية	۱۳۶
ب - ضابطه تشخیص مصلحت اهم (مرجحات تزاحم مصالح)	۱۳۷
۱- ضابطه ترتیب مصالح پنجگانه.....	۱۳۸
استدلال بر ترتیب مصالح پنجگانه.....	۱۳۹
۲- تزاحم بین مصالح ضروری، مورد نیاز، و تحسینی و مکملات آنها	۱۴۱
۳- تقديم مصلحت عام بر مصلحت خاص	۱۴۴
۴- تقديم مصلحت بدون بدل بر مصلحت دارای بدل	۱۴۶
۵- تقديم مصلحت مضيق و فوری بر مصلحت موسع	۱۴۶
۶- تقديم مصلحت اصلی بر تبعی	۱۴۷
مواردی از کاربرد قواعد تزاحم مصالح	۱۴۸
تفیه	۱۴۸
ولایت از طرف ظالم	۱۴۹
غیبت	۱۵۱
امر به معروف و نهی از منکر	۱۵۲

۸ مصلحت در فقه شیعه و سنّی

نقد و بررسی کلام مشهور.....	۱۵۴
مقدمه.....	۱۶۱
فصل اول: دیدگاه‌های مختلف در اعتبار مصلحت از جهت منبع بودن	
۱- دیدگاه قائلین به اعتبار مصلحت در سطح محدود.....	۱۶۳
۲- دیدگاه قائلین به اعتبار مصلحت در سطح وسیع	۱۶۴
۳- دیدگاه طوفی بر تقدیم مصلحت	۱۶۵
۴- دیدگاه منکرین اعتبار مصلحت	۱۶۶
فصل دوم: ادله مراعات مصلحت	
۱- مصلحت امری فطری و اصل عقلی و عقلاًی است	۱۶۹
۲- دلالت آیات قرآن بر رعایت مصالح:.....	۱۷۰
۳- دلالت روایات بر رعایت مصالح.....	۱۷۴
۴- اجماع	۱۷۵
فصل سوم: ضوابط بکارگیری مصلحت	
هماهنگی بین نظریات	۱۸۰
فصل چهارم: مقاصد شریعت	
پیشینه تاریخی طرح مصالح پنجگانه	۱۸۵
نقد و بررسی و تحقیق در مسأله	۱۸۸
مقصد نهایی و مقاصد متوسط.....	۱۸۸
جایگاه مصالح ضروری	۱۹۰
تشکیل حکومت اسلامی از مقاصد شریعت است.....	۱۹۳
حفظ وحدت و اتحاد از مقاصد شریعت است.....	۱۹۵
تفویت هر کدام از مقاصد شریعت مفسده است.....	۱۹۷
۱- تفویت دین مفسده است.....	۱۹۷
۲- قتل نفس مفسده است.....	۱۹۸
۳- اختلال در نسل مفسده است.....	۱۹۹
۴- اختلال در امنیت مالی و اقتصادی مفسده است.....	۱۹۹
۵- خلل و منقصت در عقل مفسده است.....	۲۰۱
خلاصه و نتیجه گیری	۲۰۱
فصل پنجم: استصلاح	
مصالحه مرسله.....	۲۰۴
تعریف مصالحه مرسله.....	۲۰۴

فهرست مطالب ۹

مقصود از قید ارسال ۲۰۶
پیشینه تاریخی طرح مصالح مرسله در فقه اهل سنت ۲۰۹
قلمو مصالح مرسله ۲۱۰
دلیل اعتبار مصلحت در معاملات و عدم اعتبار آن در عبادات ۲۱۰
دیدگاهها در اعتبار و عدم اعتبار مصالح مرسله ۲۱۳
ادله قائلین به اعتبار مصالح مرسله ۲۱۵
دلیل اول: تمسک به عقل ۲۱۵
دلیل دوم: سیره صحابه ۲۱۷
دلیل سوم: سنت ۲۱۹
نقد و بررسی ادله قائلین به اعتبار مصالح مرسله ۲۲۰
نقد تقریب اول و سوم دلیل عقلی ۲۲۰
نقد تقریب دوم دلیل عقل ۲۳۰
ادله جامعیت شریعت ۲۳۳
نقد دلیل سیره صحابه ۲۳۵
جواب از تمسک به دلیل سنت ۲۳۷
ادله منکرین اعتبار مصالح مرسله ۲۳۸
ادله ظاهریه بر عدم اعتبار مصالح مرسله ۲۳۹
ادله شافعیه بر عدم اعتبار مصالح مرسله ۲۴۳
ادله شیعه امامیه بر عدم اعتبار مصالح مرسله ۲۴۴
علت اساسی گرایش اهل سنت به اجتهاد به رأی ۲۴۸
فصل ششم: استحسان ۲۵۳
دیدگاههای اهل سنت پیرامون تعریف استحسان ۲۵۳
تعریف اول (تعریف منسوب به کرخی) ۲۵۳
اقسام استحسان ۲۵۵
نتیجه گیری ۲۵۸
تعریف دوم (تعریف مالک) ۲۵۹
تعریف سوم ۲۶۲
تعریف چهارم ۲۶۳
ادله قائلین به اعتبار استحسان ۲۶۴
دلیل اول: کتاب ۲۶۴
نقد و بررسی ۲۶۵
دلیل دوم: سنت ۲۶۶
نقد و بررسی ۲۶۷

۱۰۵ مصلحت در فقه شیعه و سنّی

۲۶۷.....	دلیل سوم: اجماع
۲۶۷.....	ادله منکرین اعتبار استحسان
	فصل هفتم: سد ذرایع
۲۷۲.....	تعریف و تحریر محل نزاع سد ذرایع
۲۷۵.....	دیدگاهها در اعتبار و عدم اعتبار سد ذرایع
۲۷۵.....	ادله قائلین به اعتبار سد ذرایع
۲۷۵.....	(آ) استدلال به کتاب
۲۷۷.....	(ب) استدلال به سنت
۲۷۸.....	نقد و بررسی
	فصل هشتم: قیاس
۲۸۱.....	تعریف قیاس
۲۸۳.....	ارکان قیاس
۲۸۳.....	تفاوت قیاس و مصلحت مرسله
۲۸۷.....	دیدگاههای مختلف در مورد قیاس
۲۸۷.....	ادله قائلین به اعتبار قیاس و نقد و بررسی آنها
۲۸۹.....	ادله منکرین اعتبار قیاس
۲۹۴.....	خلاصه و نتیجه‌گیری
	فصل اول: مصلحت در سیره معصومین علیهم السلام
۳۰۱.....	مواردی از توجه به مصلحت در عصر نبوت و امامت
	فصل دوم: جایگاه مصلحت در فقه شیعه
۳۱۴.....	۱- موارد جزئی و متفرقه جایگاه مصلحت در فقه شیعه
۳۱۵.....	۲- مصالح پنجگانه
۳۱۶.....	۳- قاعده اهم و مهم
۳۱۷.....	۴- حفظ نظام
۳۲۰.....	۵- ولایت
۳۲۱.....	نقش مصلحت در ولایت بر محبورین
	فصل سوم: نقش مصلحت در صدور احکام حکومی
۳۳۰.....	تعریف حکم حکومی
۳۳۲.....	نمونه‌هایی از احکام حکومی مبتنی بر مصلحت
۳۳۶.....	سند احکام حکومی مبتنی بر مصلحت
۳۳۶.....	تعریف حکم اولی و ثانوی
۳۳۷.....	حکم حکومی نه از سند حکم اولی است و نه ثانوی
۳۳۹.....	بررسی دیدگاه اول

فهرست مطالب ۱۱

بررسی دیدگاه دوم.....	۳۴۱
بررسی دیدگاه سوم.....	۳۴۱
مشروعیت حکم حکومی مبتنی بر مصلحت.....	۳۴۲
۱. ولایت و حاکمیت اصلی فطری و عقلی است	۳۴۳
۲. استدلال به قرآن کریم	۳۴۴
الف - آیه اطاعت.....	۳۴۴
ب - آیه اولویت	۳۵۳
مرجع تشخیص مصلحت	۳۵۷
جایگاه مشورت در تشخیص مصلحت	۳۶۲
مجمع تشخیص مصلحت نظام	۳۶۴
حوزه مصلحت اندیشی حاکم اسلامی	۳۶۸
فصل چهارم: تفاوت مصلحت در فقه شیعه و اهل سنت	
چکیده.....	۳۸۰
پیشنهادات	۳۸۱
فهرست منابع.....	۳۸۳

۱۵۱

تقدیم به مصلح و مجدد قرن اخیر، خمینی کبیر^{رهبر} که مصلحت جوشیده از متن شریعت را با ژرف نگری فقیهانه، نهادینه کرد و با تدبیری عالمانه، حضور آن را در صحنه اجتماع عینیت بخشید و همچنین تقدیم به شهیدان راه فضیلت و حقیقت که در راه حفظ مصالح نظام اسلامی، جان خویش را در کف اخلاص نهاده، مصلحت خویش را در جانفشاری در راه جانان دیدند.

مقدمه

دین مبین اسلام، دینی جامع و حاوی معارف عمیق و قوانین دقیق است که در دو عرصه نظر و عمل، از سوی خداوند سبحان بر قلب مبارک پیامبر، جهت هدایت بشر نازل شده است. دینی منطبق بر فطرت انسان است، و معارفی را در بردارد که پاسخگوی نیازهای حقیقی بشر در دو حوزه افکار و رفتارهای فردی و حوزه سیاستگذاری‌ها و عملکردهای اجتماعی و تمیز دهنده بین این نیازها از نیازهای کاذب در آن دو عرصه مذکور است.

از طرف دیگر، شاهد تغییرات گسترده در عرصه جهانی در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی هستیم که با توجه به جامعیت دین، همه چشم‌ها به چگونگی حضور دین و پاسخگویی آن به انبوه سوالات در حوزه‌های مذکور، دوخته شده است؛ بنابراین، مسأله‌ای که اندیشه اندیشه‌وران و انگیزه آنان را متوجه آن کرده تا حول آن محور قلم‌فرسایی

کنند، نحوه پاسخگویی دین به ویژه بخش عملی آن به نام فقه، در مواجهه با چالش‌ها و حل معضلات اجتماعی در ابعاد گوناگون آن است. بدون تردید، یکی از عناصری که اسلام برای پاسخگویی به این نیازها در نظر گرفته و جوشیده از متن دین است، عنصر مصلحت است که در گشايش اجتهادی پویا برای گشودن گره‌های اجتماعی در ابعاد گوناگون آن، بر اساس موازین استنباط، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد؛ همان‌طور که در رفتارهای فردی در گستره مادیات و معنویات مورد توجه قرار می‌گیرد؛ زیرا هر انسانی بر اساس عقل و فطرت، با توجه به علت غایی به ظهور رفتاری اقدام می‌کند که در آن مصالح فردی و اجتماعی و خانوادگی همچنین مادی و معنوی لحاظ شده باشد و آن‌گاه که با تراحم مصالح روبرو می‌شود، به مصلحتی که اهمیت بیشتری دارد، رو می‌آورد و مصلحت کمتر را فدای آن می‌کند.

اهمیت مصلحت در چاره اندیشی برای حل معضلات اجتماعی بشر در ابعاد گوناگونش، در نظام ولایی و حکومت دینی دوچندان است؛ زیرا حکومت اسلامی، مسؤول پاسخگویی به نیازهای زمان و مکان با توجه به متغیرات و مقتضیات زمان و مکان از طریق ارجاع متغیرات متشابه به ثابتات محکم دین است.

با توجه به این مطالب، عنصر "مصلحت" هم نزد فقیهان اهل سنت و هم نزد فقیهان شیعه به ویژه پس از انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفته است؛ البته فقیهان اهل سنت از دیر باز به بحث درباره مصلحت پرداخته، و کتاب‌های گوناگونی را تدوین کرده‌اند؛ اما فقیهان شیعه در لابه‌لای مباحث فقهی خود بدان پرداخته‌اند و پس از انقلاب اسلامی ایران، به عنصر مصلحت، اهمیت بیشتری داده شده است.

مسئله‌ای که در این کتاب در صدد پاسخگویی به آن هستیم، نحوه مواجهه و به کارگیری مصلحت در فقه فریقین است که با چه دیدی و از چه منظری به طرح عنصر مصلحت پرداخته‌اند و این که آیا تفاوتی بین گفتمان مصلحت در فقه شیعه با گفتمان مصلحت در فقه اهل سنت وجود دارد یا خیر و در صورت تفاوت، امتیاز مصلحت در فقه فریقین در چیست، و به دنبال طرح این مباحث، سوالات دیگری مطرح می‌شوند که عبارتند از:

- ماهیت و مفهوم مصلحت چیست؟

- آیا به کارگیری عنصر مصلحت با ضابطه است، و در صورت انضباط، آن ضوابط چیست؟

- در صورت تراحم مصالح، حل تراحم به چیست؟

- مرجع تشخیص مصلحت کیست؟

- فرق بین مصلحت نظام و مصلحتی که در احکام اولیه وجود دارد، در چیست؟

- مشروعیت حکم حکومی مبتنی بر مصلحت در چیست؟

- جایگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام کجا است؟

آثار نگاشته شده از سوی اهل سنت، در زمینه مصلحت متعدد است و در قالب‌های گوناگون استصلاح و استحسان و قیاس به آن پرداخته‌اند، و در هر یک از قالب‌ها، کتاب‌های بسیاری را تدوین کرده‌اند؛ اما از سوی عالمان شیعه مطالبی محدود، آن هم در لابه‌لای کتاب‌های فقهی به چشم می‌خورد و پس از انقلاب، آثاری در حدّ مقاله و سخنرانی وجود دارد و اگر هم کتابی در باب مصلحت نگاشته شده باشد، بسیار اندک و محدود است.

در زمینه مباحث تطبیقی بین مصلحت از دیدگاه فریقین، این کمبود و

محدودیت اثر، محسوس‌تر است. نگارنده در این زمینه به جز چند جزو و مقاله، اثری نیافته؛ بنابراین، بحث در این زمینه و پرکردن این خلاصه ضرورت دارد تا روشن شود که دین می‌تواند به نیازها در همه عرصه‌ها پاسخ‌گوید و در صورت تنقیح دقیق مطالب، دغدغه‌های سنت‌گرایان را که مبادا به بهای توجه به مصالح عینی، در احکام انحراف پدید آید، و از سوی دیگر دغدغه واقع‌ینان و مجریان را که مبادا به بهانه حفظ آرای ظاهری فقهی، دین از تطبیق موفق بازماند، مرتفع خواهد ساخت.

چون کتاب حاضر، فقهی است، روش خاص خود، یعنی روش کتابخانه‌ای را دارد که با جمع‌آوری منابع گوناگون در این زمینه و مراجعه به آن‌ها به تحقیق و پژوهش پرداخته می‌شود. در این کتاب کوشیده شده به منابع دست اول مراجعه شود و در مواردی از منابع دست دوم و مقالات نیز به گردآوری اطلاعات پرداخته شده است.

در کتاب حاضر، در صدد بررسی مصلحت در فقه فریقین هستیم و اصطلاحات دیگر مصلحت، مثل مباحث کلامی در این زمینه مورد نظر نیست و اگر هم پرداخته شده، استطرادی و از باب روشن شدن مبحث مصلحت در فقه است، و نیز در محدوده برداشت متفکران مسلمان از مصلحت است؛ بنابراین، مصلحت در تفکر غربی و برداشت متفکران غیر مسلمان از آن، مورد نظر نیست.

منظور از «بررسی تطبیقی مصلحت در فقه شیعه و اهل سنت» طرح و تبیین مصلحت در فقه اهل سنت و طرح و تبیین آن در فقه شیعه و سپس مقایسه و بیان امتیاز مصلحت در فقه فریقین است و مقصود از مصلحت، خیر و فایده یا دفع مفسداتی است که خوب است انسان به آن برسد؛ بنابراین، مصلحت اعم از

"تحصیل فایده" و "دفع مفسدہ" است.

"فقه" نیز اصطلاح خاص آن (مسائل مدونه که ناظر به احکام فرعی و عملی اسلام است) منظور است که همین اصطلاح، رواج دارد.

منظور از اهل سنت، مجموعه چهار فرقه شافعی، مالکی، حنفی و حنبلی است. از شیعه نیز، شیعه امامیه اثنا عشریه مقصود است و فرقه‌های دیگر شیعه، مثل زندیه، اسماعیلیه و ... منظور نیست.

در این کتاب، ابتدا مباحثی تحت عنوان: "کلیات" می‌آید که در زیر مجموعه آن، فضولی بدین ترتیب طرح می‌شود:

- بررسی مصلحت در لغت؛

- مصلحت در عرف متکلمان و فقیهان؛

- تبیین واژه‌های همسو با مصلحت؛

- تبیین واژه‌های فقه و شریعت؛

- تقسیمات مصالح؛

- تزاحم مصالح.

در بخش دوم "مصلحت از دیدگاه اهل سنت" مطرح، و ابتدا خود مصلحت در سه فصل بررسی می‌شود که عبارت است از:

- فصل اول "دیدگاه‌های گوناگون در اعتبار مصلحت از جهت منبع بودن"؛

- فصل دوم "ادله مراعات مصلحت"؛

- فصل سوم "ضوابط به کارگیری مصلحت".

در ادامه، بحثی تحت عنوان "مقاصد شریعت" مطرح خواهد شد که در فصل چهارم بدان خواهیم پرداخت.

پس از این چهار فصل، قالب‌هایی که اهل سنت، تحت آن‌ها از مصلحت سخن رانده‌اند، در چهار فصل بررسی می‌شود که فصل پنجم تا هشتم را به خود اختصاص داده است. آن‌ها نیز عبارتند از:

- فصل پنجم "استصلاح"

- فصل ششم "استحسان"

- فصل هفتم "سد ذرایع"

- فصل هشتم "قياس".

در هر فصل، بعد از تعریف هر یک از قالب‌ها، ادلۀ قائلان و ادلۀ منکران، بحث و بررسی و احياناً در آن‌ها مناقشه می‌شود. در بخش پایانی "مصلحت از دیدگاه شیعه" را مطرح می‌کنیم که این بخش نیز فصولی را به خود اختصاص داده است.

با توجه به این که یکی از منابع فقه شیعه، کلام و سیره معصومان علیهم السلام است، فصل اول را به "مصلحت در سیره معصومان علیهم السلام" اختصاص داده‌ایم. در فصل دوم به "جایگاه مصلحت در فقه شیعه" پرداخته‌ایم و چون در یکی از جاهای مطرح در فقه شیعه که عنصر مصلحت نقش کلیدی دارد، "حکم حاکم یا احکام حکومتی او است"، در فصل سوم به "نقش مصلحت در صدور احکام حکومی" اشاره، و در فصل چهارم که فصل پایانی این بخش به شمار می‌رود، به "تفاوت مصلحت در فقه شیعه و اهل سنت" اشاره کرده‌ایم.

بخش اول

کلیات

✓ فصل اول: بررسی مصلحت در لغت

✓ فصل دوم: تبیین واژه‌های همسو با مصلحت

✓ فصل سوم: تبیین واژه‌های فقه و شریعت

✓ فصل چهارم: مصلحت در عرف متکلمان

✓ فصل پنجم: مصلحت در عرف فقیهان

✓ فصل ششم: تقسیمات مصلحت

✓ فصل هفتم: تزاحم مصالح

فصل اول

بررسی مصلحت در لغت

بررسی واژه مصلحت از دیدگاه لغویان

مصلحت بر وزن "مفعله" از ماده صلاح است. این کلمه یا مصدر است به معنای "صلاح دیدن" یا اسم مصدر است که جمع آن مصالح خواهد بود^۱. بعضی از نویسندها، مصلحت را اسم مکان دانسته‌اند:

و هذه الصيغة أصلها لاسم المكان الذي يكثر فيه ما منه الاشتقاء كمأسدة للمكان الذي تكثر فيه الاسود و مضبعة للمكان الذي تكثر فيه الضباء ف تكون المصلحة قد صيغت من الصلاح للدلالة على توفر الصلاح و قوته.^۲

اصل این صیغه، برای اسم مکانی به کار می‌رود که مبدأ اشتقاء در آن مکان فراوان یافت شود. مانند مأسدۀ برای مکانی به کار می‌رود که شیران در آن مکان فراوانند و مضبعه برای مکانی استعمال می‌شود که درندگان در آنجا بسیارند؛ بنابراین، مصلحت از صلاح گرفته شده تا بر وفور و قوت صلاح دلالت کند.

ارباب لغت "مصلحت" را در مقابل "فسد" می‌دانند؛ همان‌طور که صلاح

۱. اسماعیل الحسنی، نظریة المقاصد عند الامام محمد الطاهر بن عاشور، ص ۲۸۰.

۲. محمد المختار السلاوي، القياس و تطبيقاته المعاصرة، ص ۵۸

را در برابر فساد ذکر کرده، و به معانی منفعت، خیر، صواب، شایستگی و حسن آورده‌اند که به برخی از کتاب‌های اهل لغت اشاره می‌شود.

دھندا در لغتنامه، بعد از آن که گفته: مصلحت مقابل مفسد است، آن را به معنای «صواب و شایستگی» آورده است.^۱

در مصباح المنیر آمده:

صلح الشی... و هو خلاف فسد و اصلاح اتی بالصلاح و هو الخیر

و الصواب و في الامر مصلحة ای خیر و الجمجم مصالح.^۲

«صلح الشیء» (شیء نیک شد) بر خلاف «فسد» (تباه شد) است و

«اصلاح» یعنی صلاح را آورد و صلاح، خیر و صواب است. و در

فلان امر، مصلحت وجود دارد یعنی خیر و جمع آن مصالح است.

صاحب اقرب الموارد در معنای مصلحت می‌نویسد:

المصلحة ما يترتب على الفعل و يبعث على الصلاح يقال: «رأى

الإمام المصلحة في ذلك» ای هو ما يحمل على الصلاح و منه ما

سمی ما يتعاطاه الإنسان من الأعمال الباعثة على نفعه.^۳

مصلحت، عبارت است از آن چه بر عمل بار و سبب صلاح

می‌شود، و از همین باب است، این سخن که «امام مصلحت را در

این دید»؛ یعنی این چیزی است که سبب صلاح می‌شود؛ از این رو

کارهایی که انسان انجام می‌دهد و سبب نفع او می‌شود، به این نام

نامگذاری می‌شوند.

۱. علی اکبر دھندا، لغت نامه، جلد چهل و پنجم، ص ۵۷۸.

۲. احمد بن محمد بن علی القیومی، المصباح المنیر، ص ۳۴۵.

۳. سعید الخوری الشرتوی، اقرب الموارد، ص ۶۵۶.

در لسان العرب، مصلحت به معنای صلاح و حسن آمده است:
الصلاح نقىض الافساد و المصلحة الصلاح... و اصلاح الدابة:
احسن اليها فصلحت و في التهذيب: تقول اصلحتُ الى الدابة
اذا احسنت اليها.^۱

اصلاح، نقىض افساد، و مصلحت به معنای صلاح است و "اصلاح الدابة" یعنی به اسب نیکی کرد (او رانیکو داشت) پس او هم نیکو شد. در تهذیب آمده: هنگامی می گویی «اصلحتُ الى الدابة» که او رانیک بداری.

صاحب محیط المحيط، مصلحت را به «منفعت» معنا کرده است:
المصلحة في اللغة هي المنفعة حقيقة و تطلق مجازاً على الفعل
الذى فيه صلاح بمعنى النفع فيقال: إن التجارة مصلحة و طلب
العلم مصلحة فهما سببان للمنافع المادية و المعنوية. و المصلحة
بهذا المعنى ضد المفسدة.^۲

معنای حقیقی مصلحت در لغت منفعت است و بر کاری که در آن صلاح که به معنای نفع است، مجازاً اطلاق می شود. از همین باب است که گفته می شود: تجارت مصلحت است و طلب علم، مصلحت است. بنابراین معنا، تجارت و طلب علم، دو سبب منافع مادی و معنوی هستند و مصلحت به این معنا ضد مفسده است.

همچنین برخی از معاصران مانند بوطی به تبع بعضی از لغویان، مصلحت را معادل منفعت دانسته‌اند. بوطی می نویسد:

۱. ابن منظور، لسان العرب، جلد هفتم، ص ۳۸۴.

۲. معلم بطرس البستانی، محیط المحيط، ص ۵۱۵.

این کتاب به طرح و تبیین مصلحت در فقه اهل سنت و طرح و تبیین آن در فقه شیعه (شیعه امامیه اثنا عشریه) و سپس مقایسه و بیان امتیاز مصلحت در فقه فریقین اختصاص دارد گفته‌ی است در اینجا مقصود از مصلحت: "خیر و فایده یا دفع مفسدۀ ای است که خوب است انسان به آن برسد؛ بنابراین، مصلحت اعم از "تحصیل فایده" و "دفع مفسدۀ است". بر این اساس، نخست کلیاتی در این زمینه مطرح گردیده است که عبارت‌اند از: بررسی مصلحت در لغت، مصلحت در عرف متکلمان و فقیهان، تبیین واژه‌های همسو با مصلحت، تبیین واژه‌های فقه و شریعت، تقسیمات مصالح، و تزاحم مصالح. سپس مصلحت از دیدگاه اهل سنت مطرح گردیده و قالب‌هایی که اهل سنت، تحت آنها را از مصلحت سخن رانده‌اند (شامل استصلاح، استحسان، سد ذرایع، و قیاس) بررسی می‌شود. در ادامه مصلحت از دیدگاه شیعه تحت این عنوان مطرح گردیده است: مصلحت در سیره معمصومین (ع)، جایگاه مصلحت در فقه شیعه، و نقش مصلحت در صدور احکام حکومی. در پایان نیز، تفاوت مصلحت در فقه شیعه و اهل سنت بازگو شده است.

